



OPEN ACCESS



فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی



گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی:

واکاوی پیوند آرمان‌گرایی اسلامی و واقع‌گرایی سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)

سید محمدرضا موسوی^۱

۵۷

دوره ۱۵، شماره ۲، پیاپی ۵۷

تابستان ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۳-۵-۱۴۰۵

تاریخ پذیرش:

۳۱-۶-۱۴۰۵

صص: ۷-۱۹

شابا جایی: ۲۵۷۳-۲۳۲۲

چکیده

این پژوهش با بهره‌گیری از رهیافت «تحلیل گفتمان»، به بررسی و بازسازی ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه امام خمینی (ره) می‌پردازد. مسئله اصلی این مقاله، شناسایی عناصر، اصول و مفاهیم سازنده‌ای است که گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی را حول محور «اسلام سیاسی» به مثابه دال مرکزی، مفصل‌بندی می‌کنند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره) بر اصولی بنیادین همچون پیوند ناگسستنی دین و سیاست، اصل دعوت، قاعده نفی سیل، تولی و تبری، وحدت جهان اسلام، تألیف قلوب و حفظ مصلحت نظام استوار است. اهداف کلان این گفتمان شامل تحقق ارزش‌های الهی، مبارزه با نظام سلطه، حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش، صدور پیام انقلاب و حفظ استقلال و امنیت جمهوری اسلامی است. مقاله تبیین می‌کند که این گفتمان ضمن برخورداری از ماهیتی آرمان‌گرایانه و عدالت‌محور، از انعطاف‌پذیری لازم برای مواجهه با واقعیت‌های نظام بین‌الملل از طریق اصل «مصلحت نظام» برخوردار است. در نهایت، اندیشه امام خمینی (ره) در سیاست خارجی، مدلی از «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» ارائه می‌دهد که در آن، حفظ نظام و بقای دولت اسلامی در کنار اهداف فراملی و ایدئولوژیک، به صورت نظام‌مند سازماندهی شده است. این پژوهش با روش کیفی و تفسیری، نشان می‌دهد که گفتمان سیاست خارجی امام (ره)، گفتمانی اسلامی، استقلال‌طلب، ضدسلطه و در عین حال پویا در مدیریت تعاملات جهانی است.

واژگان کلیدی:

امام خمینی (ره)، گفتمان، سیاست خارجی، آرمان‌گرایی اسلامی، واقع‌گرایی سیاسی.

مقدمه

بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (قدس سره) با استفاده از رهیافت گفت‌وگو، مستلزم شناسایی ساختار درونی گفت‌وگو انقلاب اسلامی، عناصر و وقتهای سازنده آن و چگونگی همپوشینی دال‌ها و نشانه‌ها در مفصل‌بندی این گفت‌وگو است. با توجه به اینکه در تحلیل گفت‌وگویی لاکلاو و موفه منظور از «وقته» دال‌های گفت‌وگویی است که حول دال مرکزی قرار دارد و «عناصر»، وقته‌هایی هستند که پیش از مفصل‌بندی شدن در گفت‌وگو در حوزه گفت‌وگو گونگی قرار دارند، بر این اساس، در این قسمت نیز تلاش شده است تا در ابتدا عناصر گفت‌وگو مطرح هستند ذکر گردد؛ زیرا تنها با درک دال‌ها، عناصر، وقته‌ها و نشانه‌های این گفت‌وگو و چگونگی مفصل‌بندی آنان، امکان فهم کلیت گفت‌وگو به وجود می‌آید. در این زمان، با توجه به نقش دال مرکزی اسلام سیاسی در گفت‌وگو انقلاب اسلامی و جایگاه بی‌بدیل اندیشه‌های امام خمینی (قدس سره) در ساخت مفصل‌بندی این گفت‌وگو، بررسی عناصر و مفصل‌بندی گفت‌وگو سیاست خارجی ایران از دیدگاه ایشان برای درک سیاست خارجی ایران یک ضرورت اساسی است؛ زیرا امام خمینی (قدس سره) به عنوان فقیهی سیاستمدار، دیدگاه‌های سیاسی خویش را با استناد به اصول و قواعد فقهی و مبانی نظری سیاست یک دولت اسلامی (با محوریت اسلام سیاسی به عنوان دال مرکزی انقلاب اسلامی) ارائه کرده‌اند. بنابراین چارچوب نظری اندیشه‌های امام به عنوان ایدئولوژی سیاسی انقلاب اسلامی که از آموزه‌ها و ارزش‌های اصیل سیاسی اسلامی ریشه گرفته‌اند عملاً بنیادهای نظری و عملی سیاست‌های یک دولت اسلامی و عناصر و مفصل‌بندی گفت‌وگو سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین این عناصر گفت‌وگویی را می‌توان بدین شرح برشمرد:

۱. عناصر گفت‌وگویی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (ره)

۱-۱. پیوند دین و دولت

اولین و مهم‌ترین اصل اساسی سیاست خارجی یک‌دولت اسلامی، پیوند دیانت و سیاست و عینیت و این‌همانی این دو حوزه است و از این رو، دال مرکزی گفت‌وگو انقلاب اسلامی با محوریت اسلام سیاسی شکل گرفته است. بر این اساس، دین نه به عنوان امری صرفاً فردی و خصوصی بلکه به عنوان نظامی متکامل و مرفعی، در بردارنده نگرش جامعی نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که می‌تواند علاوه بر تقنین قوانین الهی، نسبت به تنفیذ و اجرای حدود و احکام اسلامی در جامعه نیز اقدام کند. (دهشیری، ۱۳۷۹: ۱۸۵)

۱-۲. اصل دعوت

اصل دعوت یکی از مهمترین اصول اساسی اسلامی است که ماهیت روابط خارجی را از دیدگاه اسلام تبیین می‌کند این اصل به دلیل رسالت جهانی دین اسلام، به عنوان آخرین دین الهی، در قبال سعادت کلیه انسان‌ها و ضرورت تبلیغ آن براساس چشم‌انداز نهایی پیروزی حق بر باطل، نوعی تکلیف سیاسی و دینی برای دولت اسلامی محسوب می‌شود. (قزوینی، ۱۳۷۴: ۶۶) از سوی دیگر، اصل دعوت با دو نگرش تبیینی و ترویجی، ماهیت و چگونگی دعوت و همچنین صدور انقلاب را نیز مشخص می‌کند. (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۲)

نگرش ترویجی، اصل دعوت را به معنای ترویج عقاید و گسترش اندیشه‌های ناب اسلامی به سایر کشورها با توسعه دایره قلمرو اسلام می‌داند و رویکرد تبیینی تنها دعوت را تبیین عقیده و نه ترویج آن تعریف می‌کند. با توجه به اصل دعوت، سیاست خارجی دولت اسلامی به دنبال ترسیم جامعه مطلوب و ارائه الگویی برای نیل به آن است. علاوه بر این، در اصل دعوت با تأکید بر ماهیت صلح‌محور روابط خارجی اسلام، عدالت اجتماعی و رفع ظلم در جوامع بشری نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا صلح تنها در پرتو عدالت استقرار می‌یابد. این مسئله همچنین سبب می‌شود که عدالت‌جویی و تأکید بر حمایت از مستضعفان یا جنبش‌های عدالت‌گرا به یکی از اصول اساسی سیاست خارجی دولت اسلامی تبدیل شود.

۳-۱. قاعده نفی سیل

بر مبنای آیه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» هرگونه سلطه غیرمسلمان بر مسلمین غیرقابل پذیرش است. این قاعده که با تفسیری ایجابی به معنای نفی سلطه و مبارزه با نظام سلطه است، (سجادی، ۱۳۸۳: ۵۶-۴۷) اصل تجدیدنظر طلبانه‌ای محسوب شده که ساختارها و هنجارهای بین‌المللی کنونی را طرد می‌کند. بر این اساس، ماهیت تعاملات یک دولت اسلامی و سایر کشورها از طریق محدود کردن و سد هرگونه نفوذ سلطه کفار بر جوامع اسلامی شکل می‌گیرد.

۴-۱. اصل تولی و تبری

دوستی دوستان خدا و دشمنی دشمنان او که در فروع اسلام مورد تأکید قرار گرفته است، نوع، اولویت و چگونگی برقراری و تداوم روابط دولت اسلامی با سایر کشورها را مشخص می‌کند. بر این اساس، دولت اسلامی باید اولویت تعاملات خارجی خود را بر مبنای همکاری با جهان اسلام تنظیم کرده و روابط خود با سایر کشورها را نیز بر مبنای تفکیک دارالاسلام و دارالکفر تعیین کند. از سوی دیگر تولی و تبری، نظام ائتلاف و اتحادسازی یک دولت اسلامی را نیز تنظیم کرده و اولویت روابط خارجی دولت اسلامی را بر مبنای همکاری با کشورهای جهان اسلام و سپس همسایگان منطقه‌ای و در نهایت، دولت‌های فرمانطقه‌ای دارالکفر تدوین می‌کند. (موسوی‌زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۸۷: ۲۱۲)

۵-۱. تفکیک دارالاسلام از دارالکفر

در جهان‌بینی اسلامی، معیار شناختی و ارزش‌گذاری براساس مرزهای ملی صورت نمی‌گیرد، بلکه از منظر ایمان به اسلام، دو قلمرو دارالاسلام و دارالکفر از یکدیگر مجزا می‌شوند. بر این اساس، دارالاسلام به عنوان هسته اولیه تشکیل امت واحده اسلامی از دارالفکر، دارالحرب، دارالزمه، دارالهدنه، دارالاستثمان، دارالحیاد، دارالهجرة و دارالاستضعاف تمیز داده می‌شود. به عبارت دیگر، تبعیت در فرهنگ اسلامی نه تابعیت ملی بلکه تابعیتی مذهبی قلمداد شده و نوع رفتار آن با دنیای خارج نیز براساس تعامل با دارالاسلام و دارالکفر متفاوت می‌شود. همچنین بر این اساس، یکی از اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی تلاش برای ایجاد وحدت و انسجام دارالاسلام است.

۶-۱. حفظ مصلحت دولت اسلامی

براساس اصول اساسی اسلامی، حفظ یک نظام اسلامی از اوجب واجبات است. این مسئله در کنار ضروریات واقع‌گرایان تحمیلی نظام بین‌الملل بر یک دولت اسلامی، اصل حفظ مصلحت دولت اسلامی را به وجود می‌آورد. (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۳) بر مبنای این اصل، مصلحت یک دولت اسلامی اقتضا می‌کند تا در شرایطی سیاست خارجی دولت اسلامی در گذار از چالش آرمان‌گرایی - واقع‌گرایی، براساس ضرورت بقای آن دولت، ماهیتی واقع‌گرایانه پیدا کرده و به سازگاری با هنجارها و اصول نظام بین‌الملل منجر شود.

۷-۱. تألیف قلوب

اصل تألیف قلوب یکدیگر از اصول اسلامی است که اگرچه در ظاهر به عنوان ابزار سیاست خارجی از اهمیت کمی برخوردار است، اما در عمل، به دلیل دو معنای فقهی و سیاسی آن، جایگاه مهمی در رفتار خارجی دولت اسلامی دارد. در معنای فقهی، تألیف قلوب به معنای حمایت از مسلمین ضعیف‌الاراده و کافران غیرمتخاصم در راستای همکاری آنان با دولت اسلامی است. از نظر سیاسی نیز تألیف قلوب بر حمایت از برخی دولت‌ها برای جلوگیری از اتحاد آنان با سایر دولت‌های مخالف نظام اسلامی و ضرورت پشتیبانی از نهضت‌های آزادی‌بخش تأکید دارد. بر این اساس، اصل تألیف قلوب با رویکردی ایدئولوژیکو واقع‌گرا، اولویت روابط با برخی دولت‌های انقلابی، ضد سلطه و جنبش‌های آزادی‌بخش را در اهداف ملی دولت اسلامی تعیین می‌کند.

۸-۱. حفظ نظام

مسئله امنیت و حفظ تمامیت ارضی کشور در صدر اهداف و اصول سیاست خارجی همه دولت‌ها قرار دارد. بر این اساس، یکی از مبانی اندیشه سیاسی حضرت امام قدس سره، تأکید بر ضرورت حفظ نظام است که این موضوع از منظر سیاست خارجی، همان تأکید بر استقلال و رهایی از وابستگی به بیگانگان نیز می‌باشد؛ زیرا با حفظ استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی یک کشور از آسیب‌های احتمالی مصون می‌ماند. در این زمینه امام قدس سره، حفظ ایران به عنوان «ام‌القرای» جهان اسلام را از اوجب واجبات می‌دانستند و می‌فرمودند: «اگر این جمهوری اسلامی از بین برود، اسلام آنچنان منزوی خواهد شد که تا ابد، مگر در زمان حضور حضرت، نتواند سرش را بلند کند». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳۹/۱۶)

۹-۱. نه شرقی، نه غربی

این اصل که یکی از شعارهای مردم در بحبوحه انقلاب بود، برگرفته از اندیشه‌های امام خمینی قدس سره در نفی سلطه‌جویی دو ابرقدرت آمریکا و شوروی در فضای جنگ سرد بود. درواقع، امام خمینی قدس سره با طرح نظریه نه شرقی و نه غربی و ایدئولوژی پویا و مبتنی بر اصول ارزشی، بافت سیاسی جهان را از تقابل ایدئولوژیک کمونیسم - کاپیتالیسم به تقابل مادی‌گری - معنویت‌گرایی تغییر داد و با کاهش حیثیت سیاسی ابرقدرت‌ها عملاً جایگاه جهان سوم و کشورهای عدم‌تعهد را در نظام دوقطبی ارتقا بخشید.

۱۰-۱. آرمان‌گرایی فعالانه

رویکرد کلی حضرت امام قدس سره نسبت به نظام بین‌الملل، رویکردی فعال و مقتدرانه بود. ایشان برخلاف بیشتر رهبران کشورهای جهان سوم و جهان اسلام، برای اعتلای آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی، در رویارویی با مسائل بین‌المللی و جهانی، به جای مقهور شدن در مقابل قدرت‌های بزرگ و متکبر و ارائه تصویری منفعلانه و ضعیف از خود، رویکردی تهاجمی و مقتدرانه داشتند. این رویکرد از یک‌سو موجب نگرانی و ترس قدرت‌های استکباری مسلط بر نظام بین‌الملل شده و از سوی دیگر، نورامید را در دل مستضعفان جهان می‌تاباند. (جهان‌بین، ۱۳۸۴: ۳۸)

۱۱-۱. صدور انقلاب و امت‌سازی

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل دولت جمهوری اسلامی ایران، موضوع ضرورت صدور انقلاب به یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه اسلامی تبدیل شد. درواقع، هدف اصلی سیاست خارجی ایران از همان آغاز به کار حکومت جدید، تبلیغ و گسترش اسلام انقلابی بود. این هدف براساس اصل دعوت، در وظیفه‌ای ریشه داشت که قرآن برای مسلمانان در راستای تبلیغ پیام الهی در سراسر جهان معین کرده است. بر این اساس، صدور انقلاب از موضوعات مورد توجه امام بود. چنان‌که ایشان در این زمینه تأکید داشتند:

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفتد مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱۴۸/۱۲)

الف) دیدگاه رادیکال: این دیدگاه معتقد بود که منافع ملی با منافع آرمانی یکسان بوده و هر نوع نرمش در برابر نظام بین‌الملل مطرود و براندازی نظام‌های مخالف باید در اولویت برنامه‌های صدور انقلاب ایران قرار گیرد. امام با رد این برداشت منفی از صدور انقلاب تأکید می‌کردند:

ما می‌گوییم انقلاب باید به همه‌جا صادر شود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم، ما همه کشورهای اسلامی را از خودمان می‌دانیم، همه کشورها باید در جای خود باشند. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۸۱/۱۳)

ب) دیدگاه فرصت‌طلبانه: طرفداران این دیدگاه، منافع ملی را اصل و منافع آرمانی را فرع می‌دانستند و تکیه‌گاه اصلی را بر بازسازی ملی قرار داده و کوشش برای صدور انقلاب را غیرمنطقی و موکلبه فراهم بودن شرایط بین‌الملل می‌دانست. امام قدس سره در پاسخ به این گروه می‌فرمودند:

دولت اسلامی باید تمام سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهان است، منصرف کنند. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۳۲۷/۲۱)

ج) دیدگاه محافظه‌کارانه: این دیدگاه منافع آرمانی را فاقد وجاهت بین‌المللی دانسته و تنها منافع ملی را به رسمیت می‌شناخت. پیروان این دیدگاه هرگونه فعالیتی را برای صدور انقلاب، عملی نادرست دانسته و آن را موجب برانگیختن حساسیت منفی جامعه جهانی علیه منافع ملی تلقی می‌کرد. این مسئله حتی در برخی اظهار نظرات داخلی موجود در ایران مانند «انقلاب کالا نیست که بتوان آن را به وسیله کوله‌پشتی‌های انقلابی‌های ایران به دنیا صادر کرد» نیز مطرح می‌شد. (جهان‌بین، ۱۳۸۴: ۳۹)

امام قدس سره در پاسخ به این گروه، بسیار کوبنده و محکم بر ضرورت صدور انقلاب تأکید داشتند و می‌فرمودند: «ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم کنار بگذاریم». (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۰۲/۱۲) به طور کلی، امام در زمینه صدور انقلاب با تأکید بر ضرورت صدور انقلاب اسلامی و رد استفاده از ابزارهای نظامی و اقدامات فیزیکی، رویکردی فرهنگی و سیاسی به این مسئله داشتند. از نظر امام، انقلاب اسلامی از آن جهت که معرف آرمان‌های ملل محروم و مسلمانان مظلوم است، به طور طبیعی مورد پذیرش آنان قرار خواهد گرفت. به عبارت دیگر، از منظر ایشان انقلاب به خودی خود، صادر خواهد شد و از سوی ملت‌های مسلمان و مستضعف جهان مورد استقبال قرار خواهد گرفت؛ زیرا رمز صدور انقلاب اسلامی تطبیق آن با فطرت انسانی است. (فلاح‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۱۷)

۲. الگوی تصمیم‌گیری امام خمینی در بحران سفارت آمریکا

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به رغم خواست ابر قدرت‌ها و از دست رفتن استراتژیک‌ترین کشور وابسته به آمریکا و غرب و خطر گسترش مبانی آن به سراسر خاورمیانه و کشورهای اسلامی، دشمنان با بسیج تمام عوامل پیدا و پنهان خود، توطئه‌های گوناگونی را سازماندهی کردند و برای به شکست کشاندن انقلاب اسلامی ایران دست به تهاجمی همه‌جانبه زدند. پیام امام خمینی (س) در روز ۱۰ آبان ۱۳۵۸ نقش بسیار عظیمی در خیزش مردم و شروع اعتراضات علیه دولت آمریکا داشت. امام خمینی در تاریخ دهم آبان ۱۳۵۸ طی پیامی به مناسبت سالروز ۱۳ آبان (روز تبعید امام در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ و روز کشتار دانش‌آموزان و دانشجویان در دانشگاه تهران در ۱۳ آبان ۵۷) مردم و دانشجویان و طلاب را دعوا به بسیج عمومی علیه امپریالیسم نموده و چنین فرمودند:

"دشمنان ما در هر فرصت، خصوصاً در این روز از هیچ توطئه‌ای دست بردار نیستند و با هر وسیله ممکن می‌خواهند آرامش را از ملت عزیز سلب کنند. بر دانش‌آموزان، دانشگاهیان و محصلین علوم دینی است که با قدرت تمام حملات خود را علیه آمریکا و اسرائیل گسترش داده و آمریکا را وادار به استرداد این شاه مخلوع جنایتکار نماید."

در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (حدود ۸ ماه پس از پیروزی انقلاب) قرار بود تظاهراتی به منظور بزرگداشت شهدای ۱۳ آبان ۵۷ از سوی دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها برگزار شود و چون مسئله سفر شاه به آمریکا پیش آمده بود قرار شد این تظاهرات به سوی سفارت آمریکا انجام گیرد تا نسبت به پناه دادن آمریکا به شاه اعتراضی صورت گیرد. چند هزار تن از دانشجویان و دانش‌آموزان در این روز دست به راهپیمایی زدند (گروه تحقیقات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱: ۶).

روز ۱۳ آبان ۵۸، حاج سید احمد خمینی به نمایندگی از طرف امام، در جمع دانشجویان در داخل سفارت حضور یافت و سپس به قم بازگشت تا امام خمینی (س) را در جریان جزئیات حوادث قرار دهد. تقریباً می‌توان گفت که تمامی نگاهها، چه دانشجویان تسخیرکننده و چه شخصیت‌های انقلابی و گروه‌های سیاسی، به واکنش امام خمینی (س) بود. روز ۱۴ آبان، امام خمینی (س) در سخنرانی خود، ضمن تأیید اقدام دانشجویان، آمریکا را «شیطان بزرگ» نامیدند و همان گونه که در اطلاعیه دوم دانشجویان آمده بود، سفارت آمریکا را «لانه جاسوسی» خواندند.

آمریکا توقع دارد که شاه را ببرد به آنجا مشغول توطئه، پایگاهی هم اینجا برای توطئه درست کنند، و جوانهای ما بنشینند و تماشا کنند. باز ریشه‌های فاسد به فعالیت افتاده بودند که ما هم دخالتی نکنیم و جوانها را بگوییم که شما بیرون بیاید از آنجایی که رفتند.... توقع این هست که جانی دست اول ما را ببرند آنجا نگه دارند و حمایت از او بکنند، و اینجا هم مرکز توطئه درست کنند، و مرکز پخش چیزهایی که توطئه‌گری است درست بکنند، نمی‌دانم، همه چیزهایی که می‌خواهند بکنند، بکنند و ملت ما و جوانهای ما و جوانهای دانشگاهی ما و جوانهای روحانی ما بنشینند تماشا کنند تا خون این صد هزار نفر تقریباً - یا کمتر و بیشتر - هدر برود (صحیفه امام: ۴۹۲).

تصرف سفارت آمریکا که در فرهنگ انقلاب اسلامی به «اشغال لانه جاسوسی» معروف شد، مورد حمایت امام خمینی (س) قرار گرفت و از طرف ایشان به نام انقلابی فراتر از انقلاب اول نامیده شد:

"و آن مرکزی هم که جوانهای ما رفتند گرفتند - آن طور که اطلاع دادند - مرکز جاسوسی و مرکز توطئه بوده است. آمریکا توقع دارد که شاه را ببرد به آنجا مشغول توطئه، پایگاهی هم اینجا برای توطئه درست کنند، و جوانهای ما بنشینند و تماشا کنند. باز ریشه‌های فاسد به فعالیت افتاده بودند که ما هم دخالتی نکنیم و جوانها را بگوییم که شما بیرون بیاید از آنجایی که رفتند. جوان‌ها یک کاری کردند برای اینکه دیدند، آخر ناراحت کردند این جوانها را...." (صحیفه امام: ۴۹۱).

پس از تسخیر سفارت آمریکا، در روز دوم، امریکایی‌ها کمیته ویژه هماهنگی برای رسیدگی به اشغال سفارت را تشکیل دادند و به پیشنهاد برژینسکی، کارتر تصمیم گرفت دو نفر نماینده، برای مذاکره با امام به ایران اعزام کند. رمزی کلارک، دادستان پیشین آمریکا که در پاریس نیز به دیدار امام رفته بود، به همراه ویلیام میلر، از کارکنان سابق وزارت خارجه، رهسپار ایران شدند. امام به محض شنیدن این خبر در روز ۱۶ آبان ۵۸ پیامی خطاب به شورای انقلاب اسلامی و مسئولان دولتی صادر فرمودند که بسیار صریح و شجاعانه بود:

از قرار اطلاع نمایندگان ویژه کارتر در راه ایران هستند و تصمیم دارند به قم آمده و با اینجانب ملاقات نمایند. لهذا لازم می‌دانم متذکر شوم دولت آمریکا که با نگهداری شاه، اعلام مخالفت آشکار با ایران را نموده است و از طرفی دیگر آنطور که گفته شده است سفارت آمریکا در ایران محل جاسوسی دشمنان ما علیه نهضت مقدس اسلامی است، لذا ملاقات با من به هیچ وجه برای نمایندگان ویژه ممکن نیست و علاوه بر این:

۱- اعضای شورای انقلاب اسلامی به هیچ وجه نباید با آنان ملاقات نمایند.

۲- هیچ یک از مقامات مسئول حق ملاقات با آنان را ندارند.

۳- اگر چنانچه آمریکا، شاه مخلوع - این دشمن شماره یک ملت عزیز ما - را به ایران تحویل دهد و دست از جاسوسی بر ضد نهضت ما بردارد، راه مذاکره در موضوع بعضی از روابطی که به نفع ملت است باز می‌باشد (صحیفه امام: ۵۰۹).

تصمیم‌گیری امام خمینی در این قضیه شناختی - عقلایی می‌باشد. از طرفی بر مبنای نظام شناختی امام خمینی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری نفی گردیده‌اند. از نظر امام خمینی تمام حکومت‌های غیر توحیدی به دنبال سلطه‌جویی بر دیگران هستند. اما

دستور اسلام این است که نه بر کسی ظلم کنید و نه زیر بار ظلم کشوری دیگر قرار گیرد. امریکایی‌ها نیز در داخل کشور ما در حال جاسوسی بودند تا بتوانند شاه مخلوع را دوباره به قدرت بازگردانند.

از طرف دیگر، این اقدامات امریکا علیه ایران منافع حیاتی و بقای نظام جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کرد. بر مبنای نظریه واقع‌گرایی وقتی که بقای کشوری تهدید گردد برای حفظ آن حاضر به جنگ در مقابل کشور دیگر می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز برای جلوگیری از نابودی بقای خود به سفارت خانه امریکا که مرکز جاسوسی علیه کشور ما بود حمله کرد و آن را تسخیر نمود.

۳. الگوی تصمیم‌گیری امام خمینی در خصوص پذیرش قطعنامه ۵۹۸

شورای امنیت سازمان ملل متحد، در طول هشت سال جنگ ایران و عراق، قطعنامه‌های مختلفی را به تصویب رساند که به غیر از قطعنامه ۵۹۸، بقیه آنها مورد پذیرش جمهوری اسلامی ایران واقع نشدند. نخستین قطعنامه شورای امنیت به شماره ۴۷۹، درست شش روز پس از آغاز تجاوز سراسری عراق، در ۲۸ سپتامبر (۶ مهر ۱۳۵۹) یعنی زمانی که قسمت وسیعی از خاک ایران به اشغال نیروهای متجاوز عراق درآمده بود، به تصویب رسید که تجاوز عراق به ایران را بدون آنکه تهدیدی علیه صلح، نقض صلح و یا عملاً تجاوز تلقی کند، تحت عنوان «وضعیت میان عراق و ایران» مورد بررسی قرار داده و سخنی از نقض تمامیت ارضی ایران در آن به میان نیامده بود. تنها قطعنامه‌ای که ایران آن را رد نکرد، بلکه سعی نمود تا از طریق دیپلماسی بر آن تأثیر گذاشته و مسیر آن را به نفع خود عوض کند، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بود. این قطعنامه نسبت به دیگر قطعنامه‌های شورای امنیت، کامل‌تر بوده و نه تنها حالت توصیه‌ای نداشت، بلکه نشانگر قصد شورا برای دخالت عملی و انجام نقش فعالتر، برای حل و فصل مسأله بود. این قطعنامه همچنین با احراز نقض صلح، به ریشه‌های آن - که همیشه مورد تأکید جمهوری اسلامی ایران بود - اشاره کرده و با قرار دادن دیدگاه‌های ایران در بندهای مختلف، درصدد جلب رضایت و اعتماد آن برآمده بود.

۳-۱. نظام شناختی امام خمینی در خصوص قطعنامه ۵۹۸

امام خمینی بر محاکمه صدام و آزادی ملت عراق اصرار داشتند. از نگاه ایشان این کمترین چیزی بود که صدام باید برای بهای خسارت‌ها و قربانیان جنگ پرداخت می‌کرد. نظام امام خمینی در طول هشت سال جنگ با عراق تغییری نداشت. ایشان در اظهارات گوناگون، این جنگ را جنگ تمام کفر جهانی علیه اسلام معرفی می‌کردند و شکست ایران در این جنگ را شکست و تحقیر همه مسلمانان و مستضعفین عالم می‌دانستند.

"ما این کسانی که با دولت اسلامی ایران معارضه می‌کنند، اعتقادمان این است که اینها با اسلام معارضه می‌کنند ... جنگ ما جنگ اسلامی است علیه تمام نابرابری‌های دنیای سرمایه داری و کمونیسم، جنگ امروز ما جنگ با عراق، اسرائیل، عربستان و شیوخ خلیج فارس، مصر و اردن و مراکش و ابر قدرت‌های شرق و غرب نیست. جنگ ما جنگ مکتب ماست علیه تمام ظلم و جور ... جمهوری اسلامی ایران در مرحله‌ای است که پیروزی آن به حساب همه مسلمانان و خدای نخواستہ شکست آن به ناکامی و تحقیر همه مومنان می‌انجامد" (صحیفه امام، ۲۱۵).

ایشان معتقد بودند بدون توجه به نتیجه جنگ باید بر اساس تکلیف دینی عمل کنیم و تکلیف دینی حکم می‌کند که تا آخرین توان در برابر صدام و حامیان منطقه‌ای و غربی او مقاومت کنیم.

"... وقتی کار برای خدا باشد، ما چه پیروز شویم و چه نشویم، کارمان برای خداست، ما تکلیف اداء کردیم، ما می‌خواهیم تکلیفمان اداء شود، دنبال این نیستیم که یک منصبی به وجود آوریم..."

امام خمینی با وجود همه کاستی‌های مادی و تحریم‌های اقتصادی معتقد بودند، عقل محاسبه گر مادی نمی‌تواند انقلاب اسلامی را از اهداف خود بازدارد و جمهوری اسلامی مکلف به ادامه جنگ است.

"... و به لطف خدا تمامی فشارها و محاصره‌های جهانی را برای نیل به هدف بزرگ تحمل می‌کنیم و از جنگ کردن برای خدا خسته نمی‌شویم... صدام رفتنی است، همین است که انشاءالله به همین زودی او برود و به هر حال چه او رفتنی باشد و چه نرفتنی باشد، ما یک تکلیف داریم اداء کنیم" (صحیفه امام، ۱۵۰).

بنابراین، می‌توان گفت که بر مبنای نظام شناختی امام خمینی جنگ ایران و عراق جنگ حق علیه باطل و جنگ اسلام علیه جهان کفر می‌باشد. امام خمینی بر مبنای ارزش‌های دینی خود به دنبال محاکمه و نابودی صدام بودند تا ملت عراق را از وجود او آزاد نماید. در این مرحله از تصمیم‌گیری سیاست خارجی امام خمینی، منافع مادی جایگاه چندانی ندارند؛ چون امام خمینی می‌گویند که ما کارمان را برای خدا انجام می‌دهیم حال چه پیروز شویم چه نشویم. در ادامه مشاهده می‌کنیم که برخی از شرایط داخلی و بین‌المللی باعث شد تا امام خمینی در تصمیم‌گیری‌های خود نسبت به جنگ تحمیلی و مبارزه با جهان کفر، تصمیم‌گیری‌های عقلانی را نیز لحاظ نمایند تصمیم‌گیری‌های امام خمینی در خصوص این قضیه، منافع عقلانی را نیز در بر می‌گیرد.

۲-۳. عناصر عقلایی تصمیم‌گیری امام خمینی در خصوص قطعنامه ۵۹۸

همان گونه که در بالا ذکر گردید مبارزه با جهان کفر جزو ارزش‌های امام خمینی و جمهوری اسلامی ایران بود؛ ولی در زمان صدور این قطعنامه فشار شرایط داخلی و بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران بیشتر از قبل گردید. نخبگان جمهوری اسلامی ایران و امام خمینی نیز با توجه به مشاهده واقعیت‌ها و در خطر دیدن بقای جمهوری اسلامی ایران، در نهایت تن به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ دادند. در اینجا برخی از شرایط داخلی و بین‌المللی که در نهایت باعث تغییر نظر امام خمینی در خصوص ادامه جنگ گردید پرداخته می‌شود.

۱-۲-۳. شرایط بین‌المللی تأثیر گذار بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸

اوضاع و شرایط بین‌المللی زمان طرح و تصویب قطعنامه ۵۹۸ را باید بیشتر متأثر از سیاست‌های دو کشور آمریکا و شوروی و وضعیت حاکم بر آنها، و به‌طور کلی برخورد آنها با مسئله جنگ ایران و عراق دانست. دو ابرقدرت شوروی و آمریکا که در آن زمان، جنگ سرد بین آنها حاکم بود، در پی طولانی شدن جنگ ایران و عراق بیم آن را داشتند که عدم کنترل و مدیریت این بحران به مناطق دیگر جهان سوم بخصوص خاورمیانه سرایت کند؛ لذا آنها را به فکر انداخت تا هرچه سریعتر و با رفع اختلافات خود، طرفین جنگ را به خاتمه آن مجبور سازند. از طرف دیگر، مسائل و مشکلات داخلی شوروی و آمریکا عامل دیگری بود که دو ابرقدرت را به اتخاذ سیاستی جدید و پایان دادن به جنگ سرد و آغاز تنش‌زدایی، و به‌طور کلی همسویی در حل مسائل

و مشکلات جهانی را می‌داشت. یعنی دو کشور از نظر داخلی وضعیت مساعدی نداشتند، به گونه‌ای که مشکلات داخلی می‌رفت تا موقعیت و پایگاه جهانی آنها را تضعیف کند. از طرفی شرایط حاکم بر کشور افغانستان و موج اسلام‌خواهی، و ترس کمونیست‌های حاکم بر شوروی از روی کار آمدن حکومت اسلامی، آن‌ها را وادار کرد تا علی‌رغم اختلاف با آمریکا، در زمینه اتمام جنگ ایران و عراق به توافق برسند. از طرف دیگر، صرف هزینه‌های هنگفت نظامی و تسلیحاتی برای مقابله با رجزخوانی‌های آمریکا، اقتصاد این کشور را با بحران روبه‌رو ساخت. همچنین کاهش سهم آمریکا در تولیدات جهانی و اختصاص بودجه برای مبارزه با کشورهای استقلال‌طلب و ... اقتصاد این کشور را با سیر نزولی مواجه ساخته بود.

بنابراین دو کشور برای خروج از بن‌بست‌های ایجاد شده، به دنبال توافقی بودند، که توقف جنگ ایران و عراق، از جمله آنها بود؛ لذا، آن‌ها از این زمان به بعد تمام تلاش خود را برای این امر به کار برده و از هر طریق سعی می‌کردند تا ایران را وادار به پذیرش پایان جنگ نمایند.

اولین اقدام آنها در این زمینه، افزایش فشار و تحریم اقتصادی ایران بود. آن‌ها در این مورد، شروع به تحریم نفت ایران از یک سو، و تعطیل دفاتر خرید تسلیحات ایران، از سوی دیگر نمودند. همچنین با حمله به تأسیسات نفتی و نفتکش‌های ایران، این فشار را افزایش داده و اقتصاد ایران را با معضلی جدی مواجه کردند. علاوه بر این، آن‌ها در زمینه سیاسی نیز تبلیغات وسیعی علیه ایران به راه انداخته و سعی کردند تا با همراه کردن کشورهای دیگر با خود، جو بین‌المللی را علیه ایران بسیج کنند. در این زمینه، آن‌ها ضمن کسب توافق و همراهی کشورهای بزرگی چون انگلیس، فرانسه، آلمان و ...، کشورهای منطقه، حتی کشورهای سوریه و لیبی، که حامی ایران بودند را علیه ایران برانگیختند؛ به گونه‌ای که سران دو کشور مذکور به‌طور آشکار ایران را نسبت به خاتمه جنگ تحت فشار قرار دادند.

۳-۲-۲. شرایط داخلی تأثیرگذار بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸

در بین عوامل داخلی تأثیرگذار بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط امام خمینی، بر دو عامل تنگناهای اقتصادی و عدم تمایل مسئولین نظامی و سیاسی کشور به ادامه جنگ بیش از عوامل دیگر تأکید می‌شود.

یکی از عوامل داخلی تأثیرگذار در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تنگناهای اقتصادی بودند. کاهش شدید درآمد ملی و جنگ نفت کش‌ها در پی ورود آمریکا به جنگ از جمله این عوامل تأثیرگذار در تنگناهای اقتصادی بودند. همچنین عراق برای صدور نفت خود از طریق اردن و ترکیه و خط لوله‌ای در عربستان اقدام می‌کرد؛ ولی شاه راه صدور نفت برای ایران خلیج فارس بود و شروع جنگ نفت کش‌ها منجر به کاهش درآمد ملی ایران در سال ۱۳۶۶ از ۱۶ میلیارد دلار به ۶ میلیارد دلار سقوط کرد. شمشانی قائم مقام سپاه در دوران جنگ در این خصوص می‌گوید:

کشور ظرفیت ادامه جنگ را نداشت. چگونه می‌توانستیم به جنگی ادامه دهیم که در تهیه پوتین و بند پوتین سربازان خود دچار مشکل شده بودیم... من وضعیتی دیدم که شخصاً به هاشمی رفسنجانی گفتم باید برای جنگ فکری کرد.

مشکلاتی از قبیل بین‌المللی شدن جنگ، استفاده صدام از سلاح‌های شیمیایی، تبلیغات سوء رسانه‌های بین‌المللی مبنی بر جنگ طلب بودن ایران و تنگناهای مالی و اقتصادی توانسته بود مسئولین سیاسی کشور را به پذیرش قطعنامه مجاب کند. اما

هیچ یک از آن‌ها نتوانستند نظر امام را در مورد ادامه جنگ تغییر دهند. از چند ماه پیش از پذیرش قطعنامه، مسئولین دولت در نامه‌های مختلف به امام در مورد ناتوانی کشور از تأمین هزینه‌های جنگ نوشته بودند امام خمینی بر ادامه جنگ اصرار داشتند. امام خمینی تا لحظه آخر معتقد به ادامه جنگ بودند.

"و اما قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا همین چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم ولی به دلیل حوادث و عواملی که فعلاً از ذکر آن خودداری می‌کنم و در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آن‌ها اعتماد دارم با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم..."

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه امام خمینی (ره) فراتر از یک رویکرد دیپلماتیک مرسوم، بازتابی از جهان‌بینی فقهی و سیاسی ایشان است که «اسلام سیاسی» را در کانون خود دارد. این گفتمان، روابط خارجی را از فضای صرفاً «مادی و قدرت‌محور» به فضای «ارزشی و هنجارمحور» انتقال می‌دهد. بر این اساس، سیاست خارجی نه به عنوان ابزاری برای تأمین منافع ملی محدود، بلکه به مثابه ابزاری برای تحقق اهداف متعالی انقلاب اسلامی تعریف می‌شود.

اصول استخراج‌شده در این مقاله نشان می‌دهد که یک رابطه دیالکتیکی میان «ثبات اصول» و «انعطاف در روش‌ها» در اندیشه امام (ره) وجود دارد. اصول تغییرناپذیری همچون نفی سلطه، استقلال، حمایت از مظلومان و وحدت جهان اسلام، هسته سخت و ایدئولوژیک سیاست خارجی را تشکیل می‌دهند. در مقابل، مفاهیمی چون «مصلحت نظام» و «تألیف قلوب»، به دستگاه دیپلماسی این امکان را می‌دهد که در مواجهه با واقعیت‌های متغیر نظام بین‌الملل، با رویکردی عقلانی و منعطف عمل کند. این پیوند هوشمندانه، نشان می‌دهد که سیاست خارجی امام خمینی (ره) فاقد ویژگی‌های «آرمان‌گرایی افراطی و انزواطلبانه» است، بلکه الگویی از «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» است که در آن حفظ امنیت و بقای نظام اسلامی، پیش‌شرط صدور پیام انقلاب و تحقق عدالت جهانی تلقی می‌شود.

تحلیل گفتمانی نشان می‌دهد که امام خمینی (ره) موفق شدند با «مفصل‌بندی» عناصر دینی (مانند قاعده نفی سبیل) با مفاهیم سیاسی مدرن (مانند استقلال ملی و نه شرقی-نه غربی)، گفتمان جدیدی را در روابط بین‌الملل خلق کنند. این گفتمان، با تقابل با «نظام سلطه» (دال غیر)، هویت سیاسی انقلاب اسلامی را در عرصه جهانی تثبیت کرد. دستاورد مهم این مدل، خروج از دوگانه سنتی «واقع‌گرایی-آرمان‌گرایی» است. در این گفتمان، کنشگری در نظام بین‌الملل نه تنها با حفظ ارزش‌ها منافاتی ندارد، بلکه ابزاری برای گسترش آن‌هاست.

در نهایت، این مقاله تأکید می‌کند که سیاست خارجی امام خمینی (ره)، فراتر از یک دوره تاریخی، به مثابه یک «مکتب» باقی می‌ماند که همچنان ظرفیت‌های تحلیل و تفسیر برای فهم پیچیدگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران کنونی را داراست.

فهرست منابع:

- بی‌نام (۱۳۷۸). تحلیل‌ها و گزارش‌ها: نگاهی به محورهای سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره)، سیاست خارجی، ۱۳(۴)، ۸۹۶-۸۸۷.
- بی‌نام (۱۳۸۱). سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- جهان‌بین، اسماعیل (۱۳۸۴). دیدگاه‌های جهانی امام خمینی (ره)، حصون، ۲(۳)، ۵۳-۶۵.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س): (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۹). درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۶۲). مبانی حکومت اسلامی، تهران: انتشارات توحید، چاپ اول، ج ۲.
- ستوده، محمد (۱۳۷۸). امام خمینی و مبانی نظری سیاست خارجی، علوم سیاسی، ۲(۵)، ۲۶۰-۲۷۷.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۳). دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، قم: بوستان کتاب.
- فلاح نژاد، علی (۱۳۸۴). سیاست صدور انقلاب، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قزوینی، سید علی (۱۳۷۴). بحثی درباره سیاست خارجی اسلام: پژوهشی در بعد فقهی سیاست خارجی ایران، سیاست خارجی، ۹(۱).
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵). تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاری، در نگاهی به سیاست خارجی ج ۱، نشرین مصفا، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- موسوی زاده، علیرضا؛ جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۸۷). نقش فرهنگ ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دانش سیاسی، ۴(۸)، ۱۸۷-۲۲۶.